

## فهرست

گفتار مترجم .....	هفت
جستار اول: مسئله تعریف .....	۱
پیشینه تاریخی .....	۶
مسئله تعریف در زمان حاضر .....	۱۳
نظریه نهادی .....	۲۹
ایرادهای وارد بر نظریه نهادی .....	۳۷
«ولی آیا آن هنر است؟» .....	۴۹
یادداشت‌های جستار اول .....	۶۱
کتابنامه جستار اول .....	۶۱
جستار دوم: ویژگیهای زیباشناختی .....	۶۳
۱. زیبایی و تناسب .....	۶۳
۲. زیبایی و احساس .....	۶۸
۳. زیبایی و نظریه‌های سببیت .....	۷۴
۴. نیروی دستوری داوریه‌های زیبایی .....	۷۷
۵. افول نقش زیبایی .....	۸۲
۶. برآمدن فرم‌گرایی .....	۸۷
۷. ویژگیهای زیباشناختی و غیرزیباشناختی .....	۹۷

۱۰۵	.....	۸. ویژگیهای «فرانمودی»
۱۱۲	.....	یادداشتهای جستار دوم
۱۱۳	.....	کتابنامه جستار دوم
۱۱۵	.....	جستار سوم: هستی‌شناسی هنر
۱۱۵	.....	مقدمه
۱۱۸	.....	۱. آیا آثار هنری در ذهن وجود دارند؟
۱۲۳	.....	۲. نمونه‌ها و مصداقها
۱۲۷	.....	۳. موسیقی و مسئله هویت آن
۱۳۵	.....	۴. بازآفرینی گذشته
۱۴۷	.....	۵. هستی‌شناسی نقاشی و مجسمه‌سازی
۱۵۱	.....	۶. مسئله بدل‌سازها
۱۷۱	.....	یادداشتهای جستار سوم
۱۷۲	.....	کتابنامه جستار سوم
۱۷۳	.....	واژه‌نامه
۱۷۹	.....	نمایه

## گفتار مترجم

۱

کتاب چستی هنر، نخستین بخش از مجموعه‌ای با عنوان زیباشناسی فلسفی است که به ویراستاری اُسوالد هِنفلینگ برای آموزش فلسفه هنر در سطح دانشگاه و نیز مطالعه آزاد علاقه‌مندان این رشته تدوین یافته است. این مجموعه، که انضباط موضوعی سنجیده‌ای دارد، از چهار کتاب تشکیل می‌شود که عبارتند از:

۱. چستی هنر به قلم اُسوالد هِنفلینگ
۲. هنر و احساس به قلم دیانه کولینز<sup>۱</sup> و رابرت ویلکینز<sup>۲</sup>
۳. هنر، جهان و اجتماع به قلم روزالیند هورست‌هاوس<sup>۳</sup> و تام سورل<sup>۴</sup>
۴. هنر و ارزش به قلم کولین لیا<sup>۵</sup> و استورات سیم<sup>۶</sup>

این کتابها به نحوی نگاشته شده‌اند که خواننده بتواند هر یک از آنها را مستقل از کتابهای دیگر بخواند و به رعایت تقدم و تأخر آنها نیازی نداشته باشد. مجموعه زیباشناسی فلسفی، که بنگاه انتشاراتی بِلکول آن را منتشر کرده است، در برگیرنده موضوعات اصلی و عمده فلسفه هنر و زیباشناسی است که مورد بحث و تأمل متفکران مختلف از فلاسفه یونان باستان تا ادوار جدید قرار گرفته‌اند. مطالب هر کتاب به نحوی روشن و گیرا تشریح شده‌اند تا برای طیف وسیعی از مخاطبان دانشگاهی و همه علاقه‌مندان این رشته از فرهنگ انسانی مفید باشند.

---

1. Diané Collinson      2. Rober Wilkinson      3. Rosalind Hursthouse  
4. Tom Sorell      5. Colin Lyas      6. Stuart Sim

چیستی هنر، که ترجمه فارسی آن هم اکنون در اختیار شما قرار دارد، به وسیله ویراستار کل مجموعه، یعنی پروفیسور هنفلینگ، به رشته تحریر درآمده است و درباره ماهیت هنر و زیبایی بحث می‌کند. در جستار اول آن، که عنوانش «مسئله تعریف» است، نویسنده سیر تاریخی مفهوم و تعریف هنر را به اجمال برمی‌نگرد و پیشینه آن را از دیرباز تا زمان حاضر مرور می‌کند. می‌گوید آنها که برای صورتبندی تعریف هنر کوشیده‌اند فرض را بر این قرار داده‌اند که لازمه دنبال کردن هر بحث روشن درباره مسائل و موضوعات مختلف، این است که بتوانیم واژه‌های مورد بحثمان را تعریف کنیم و اگر نتوانیم واژه‌هایمان را تعریف کنیم به راستی نمی‌دانیم که درباره چه چیزی گفتگو می‌کنیم. کلاویو بل،<sup>۷</sup> یکی از نظریه پردازان برجسته هنر، در کتابی به نام هنر می‌گوید ما از «آثار هنری» مجموعه‌ای از چیزها را مراد می‌کنیم که «همه اعضای آن مجموعه کیفیت مشترک و ویژه‌ای داشته باشند»، در غیر این صورت، هنگامی که عبارت «آثار هنری» را به کار می‌بریم سخنی بی‌معنا می‌گوییم. بنابراین باید آن کیفیت ذاتی و جوهرینی را کشف کنیم که آثار هنری را از مجموعه‌های دیگر ممتاز می‌کند.

نویسنده سپس به نگرشهای مختلف درباره ضرورت و عدم ضرورت – و نیز امکان و عدم امکان – تعریف می‌پردازد و می‌گوید صورتبندی هر تعریفی درباره هنر باید با توجه به تحولات تاریخی مفهوم هنر انجام پذیرد و تعریف برای آنکه شرایط لازم و کافی داشته باشد باید مدلولها و مصداقهای واژه هنر را در دوره‌های تاریخی گوناگون برنگرد. به نقل از تاتارکیویچ،<sup>۸</sup> تاریخ‌نگار هنر، می‌گوید، هنر مجموعه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم است که پیشینه آن به روزگاران باستان می‌رسد. درست است که این سخن را می‌توانیم درباره کثیری از مفاهیم دیگر که در گذر زمان تحول و تکامل یافته‌اند بیان کنیم، ولی

7. Clive Bell

8. Tatarkiewicz

برجستگی خاص مفهوم هنر در این است که تصورات راه یافته به درون آن، گاه در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند، و نه تنها دربارهٔ اینکه هنر چیست، بلکه دربارهٔ اینکه هنر چه باید باشد، به بازتاب نگرشهای متضادی می‌انجامد.

## ۳

یکی از نکته‌های بایستهٔ توجه در خصوص تعریف هنر این است که هر تعریفی بر یک نظریه دربارهٔ هنر تکیه می‌کند و در واقع هر تعریف از هنر، بیانگر دیدگاه خاصی از هنر است. برای مثال، کهنترین تعریف هنر بر اساس نظریه تقلید [یا نسخه‌برداری] از طبیعت شکل گرفته است و می‌گوید هنر عبارت از تقلید یا نسخه‌برداری از طبیعت است که به دست آدمی انجام می‌شود. این تعریف مبتنی بر نگرش افلاطون و ارسطو از هنر است که آغازگر تأملات فلسفی دربارهٔ آثار هنری‌اند. فیلسوفان متأخر، نظریه تقلید را نظریه بازنمایی<sup>۹</sup> خوانده‌اند و گفته‌اند که هر اثر هنری موضوعی از طبیعت جاندار و بی‌جان را منعکس می‌کند یا باز می‌نمایاند. مثلاً نقاشان در تابلوهای خود مناظر کوهستان، دریا، رودخانه، ابر و ماه و خورشید، یا سیمای انسان و اسب و غیره را باز می‌نمایانند (به کلام دیگر، حضور آنها را در تابلوهای خود تکرار می‌کنند). بر همین قیاس، یک نویسنده، واقعیت‌های طبیعت، محیط زندگی آدمیان و روابط متقابل آنها، و نیز احساسات و عواطف و غمها و شادیهای آنها را در داستان خود باز می‌نمایاند. بر اساس این نظریه، ارزش هنری هر اثر به دقت و ظرافت و ریزبینی هنرمند در امر بازنمایی بستگی دارد. قوت و ضعف این نظریه، و شمول و دلالت آن بر رشته‌های مختلف هنر، به ویژه موسیقی، زمینه‌ساز مناقشات و مباحثات مفصلی بوده است که فصل مهمی از آثار مربوط به فلسفه هنر را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۱۰</sup>

9. representation theory

۱۰. برای مطالعه بیشتر دربارهٔ این نظریه و دو نظریهٔ بعدی که خواهد آمد، مطالعه فصل‌های دوم و سوم و چهارم کتاب مبانی فلسفه هنر، نگاشتهٔ آن شپرد، ترجمه نگارنده را توصیه می‌کنم.

تعریف دیگری که هنر را بیان احساس و عاطفه می‌داند بر نظریه کروچه و کالینگوود تکیه می‌کند. این نظریه، که «نظریه فرانمایی هنر»<sup>۱۱</sup> نامیده می‌شود، در آغاز قرن بیستم پرورده شده است و هنر را بیان گویای احساسات و عواطف آدمی با استفاده از واسطه‌های مختلف هنری<sup>۱۲</sup> تعریف می‌کند. می‌گوید هنگامی که هنرمند دستخوش احساسات می‌گردد و غلیان عواطف و هیجانات درونی بر ذهن و روحش چیره می‌شود، تلاش می‌کند که ژرفای باطن خویش را بکاود و تصویری روشن از احساسات خویش داشته باشد و ملاً آنها را در قالب کلام، رنگ، صوت یا هر واسطه هنری دیگر به نحوی گویا و شفاف ابراز کند. به بیان دیگر آفرینش هنر نوعی مکاشفه درونی و حدیث نفس است که به صورت یک اثر هنری تجسم و عینیت می‌یابد. کالینگوود می‌گوید، آفرینش هنر راستین عبارت از احساس یک عاطفه و ابراز (یا فرانمایی) آن است به گونه‌ای که در مخاطب، همان تجربه (یا حال) زیباشناسانه را ایجاد کند که بر هنرمند گذشته است. تولستوی، نویسنده شهیر روس، نیز با اصحاب نظریه فرانمایی هنر همدلی دارد. در کتاب هنر چیست می‌گوید هنر، سرایت دادن و اشاعه احساسات و عواطف است. هنرمند از طریق هنر خود مخاطبان خویش را به احساسهایی مبتلا می‌کند که خود تجربه کرده است.

فرمالیسم، که می‌گوید گوهر هنر را باید در فرم آن یافت، نظریه مهم دیگری است که اساس تعریف تازه‌ای از هنر می‌شود. بسیاری از نقدهایی که درباره هنر صورت گرفته‌اند بر اهمیت فرم تأکید کرده‌اند و کیفیات فرمی آثار را محور توجه قرار داده‌اند. هر چند مسئله صورت و معنا یا به کلام دیگر، شکل و محتوا از روزگار افلاطون ذهن بسیاری از فیلسوفان و اندیشه‌ورزان را به خود مشغول داشته است، در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم تأکید بر فرم به صورت نظریه مهمی مدون می‌شود. ادوارد

11. expression theory of art

12. artistic media

### گفتار مترجم

یازده

هانسلیک،<sup>۱۳</sup> مؤلف کتاب زیبایبهای موسیقی، و دو منتقد حرفه‌ای هنرهای بصری، یعنی کلایو بل و راجر فرای،<sup>۱۴</sup> که موضوع فرم معنادار را مطرح می‌کنند، از جمله بانیان اصلی این نظریه‌اند.

سه نظریه بازنمایی، فرانمایی و فرمالیسم، نظریه‌های عمده در فلسفه هنراند و بحث اصلی آنها در کتابهای بعدی این مجموعه آمده است. توضیح مختصری که درباره آنها آوردم از آن‌روست که نویسنده در همین کتاب حاضر، در جریان بحث مربوط به تعاریف هنر و مسائل آنها، در فرصتهای مختلف بنا به ضرورت اشاراتی به آنها دارد. بدون شک آشنایی با آنها می‌تواند بهره‌گیری خواننده از مطالب مورد بحث را برافزاید.

### ۴

برخی از نویسندگان و متفکران ضرورت هرگونه تعریف درباره هنر را انکار می‌کنند و آن را امری بی‌حاصل می‌دانند و معتقدند که کوشش برای یافتن تعریفی جامع و مانع از هنر، نه تنها ره به جایی نمی‌برد، بلکه، فراتر از آن، چه بسا حتی مخل فهم درست آن می‌شود. می‌گویند برخی واژه‌ها در گذر تاریخ و سیر تطوّر خود چنان تنوع و طیف گسترده معنایی یافته‌اند که تن به هیچ‌گونه تعریف، به مفهوم متعارف، نمی‌سپارند. از جمله متفکران برجسته‌ای که میانه خوبی با تعریف ندارند، لودویک ویتگنشتاین،<sup>۱۵</sup> فیلسوف اتریشی‌الاصل انگلیسی، است. وی در کتاب تحقیقات فلسفی، که بعد از مرگش در سال ۱۹۵۳ انتشار یافت، ضمن تشریح دیدگاه جدید فلسفی خود، فلسفه نوینی در زبان‌شناسی عرضه کرد و طی آن ضرورت هرگونه تعریف را درباره واژه‌های یک زبان به پرسش کشید. او احتجاج کرد که کاربرد واژه‌ها به هیچ‌وجه نیازمند تعریف آنها براساس شروط لازم و کافی نیست و گفت که واژه

13. Edward Hanslick      14. Roger Fry

15. Ludwig Wittgenstein (1889-1951)

می‌تواند، بی‌نیاز از هرگونه تعریفی، نقش معناشناختی (یا سمانتیک) خود را به خوبی ایفا کند. در همین راستا بود که نظریه‌ابتکاری خود را درباره «شبهات خانوادگی» عرضه کرد و کلمه «بازی» را به عنوان شاهد یکی از مصادیق نظریه خود ارائه کرد. نظریه ویتگنشتاین به خوبی به واژه «هنر» نیز قابل اطلاق است و هنفلینگ ضمن بحث خود درباره مخالفان صورتبندی تعریف درباره هنر، به شرح و نقد آن می‌پردازد.

یکی دیگر از نظریه‌های مهم و بحث‌انگیز قرن بیستم که مبنای تعریفی نوین درباره هنر قرار گرفته، «نظریه نهادی»<sup>۱۶</sup> است که آرتور دانتو<sup>۱۷</sup> و جورج دیکی<sup>۱۸</sup> واضعان آنند. این نظریه بسیار فراخ دامن است و به گونه‌ای تدوین یافته که بتواند همه هنرهای متعارف و غیرمتعارف، همه مکاتب قدیم و جدید از باروک و کلاسیسیسم گرفته تا رومانتیسم و رئالیسم و سوررئالیسم و کوبیسم و دادائیسم و جز اینها را در شمول ناظرانه خود قرار دهد. نویسنده ضمن شرح کامل این نظریه، که به نوبه خود نوآورانه و توجه‌برانگیز است، به نقد ژرف‌بینانه آن می‌پردازد و نقاط قوت و ضعف آن را نشان می‌دهد. تعریف هنر به طور کلی یکی از بغرنج‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین بحث‌های فلسفه هنر است و هنفلینگ در جستار اول، با تبحر و تسلط بر موضوع، کوشیده است در حد گنجایش این فصل از کتاب هیچ نکته مهم و درخور اعتنایی را مغفول نهد.

## ۵

می‌توان سؤال «هنر چیست؟» را به نحو دیگری نیز، جز آنکه پاسخش تعریف هنر باشد، تعبیر کرد. مثلاً اینکه پرسیم ویژگیها یا کیفیات ذاتی هنر چیست؟ نویسنده در جستار دوم با عنوان Aesthetic qualities به بحث درباره این ویژگیها پرداخته است. در این جستار، که عنوان آن به «ویژگیهای هنر»

16. institutional theory

17. Arthur Danto

18. George Dickie